

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم: میلنا رامپودی
برگردان از: حمید بهشتی
۱۰ اکتوبر ۲۰۲۱

افغانستان، یک جامعهٔ مسلمانی موزائیک



افغانستان یک جامعهٔ موزائیکی مسلمانی است که از فرهنگ ها، زبان ها، اقوام و گویش های بیشماری تشکیل گشته است. افغانستان به لحاظ ذخائر زمینی غنی است. به همین جهت افغانستان هدف امپراتوری های خارجی قرار دارد که خواهان حاکمیت بر این ثروت ها می باشند و هر گاه این امپراتوری ها آنجا را ترک گویند حاکمیت به دست گروه های افراطی این کشور می افتد. این امر پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی به وقوع پیوست و امروز نیز پس از برون رفت امپریالیسم امریکا چنین است.

"طالبان" که خود را بدون مشروعیت، نمایندهٔ اسلام شریعتمدار می نامند، فقط گروه کوچکی از این موزائیک می باشند، جنبشی قومی و ناسیونالیستی پشتون ها که خود را در خلأ پسا شوروی

جا انداخته است. این گروه به میمنت ارتباط هایش با سوداگران تسلیحاتی و شبکه های قاچاقچی موفق گشته است قدرت خویش را گسترش دهد. اگر با دقت بنگریم که این به اصطلاح "طالبان"، مراکز قدرت خویش را کجاها بر پا نموده اند و توجه نمائیم کجاها منابع زیر زمینی این سرزمین قرار دارند، به برخی چیزها واقف می گردیم، اما نه به همه چیز.

تحریف اسلام توسط "طالبان" و بی اطلاعی و اسلام ستیزی غرب عموماً به صورت عوامل درونی و بیرونی موجب می گردد که اسلام در کلیت خود به عنوان جهانی بینی و نحوهٔ زندگی، اهریمنی جلوه گر شود. غرب، خود را در نقش "آزاد کننده" زنان مسلمان در افغانستان نمایان ساخته و به "طالبان" در لوای آزاد کنندهٔ نسوان اعلام جنگ می کند. اما چیزی که هدف امپریالیسم امریکا در افغانستان است حاکمیت بر ثروت های زیرزمینی این سرزمین بوده و معلوم نیست چرا خواهان طلای سفید نباشد. همانگونه که تمامی جنگ های امپریالیسم امریکا پس از ۱۹۴۵ نشان می دهد قصد امریکا به لحاظ ایدئولوژیک، گسترش مدل کاپیتالیستی زندگی امریکائی است که آن را به مثابهٔ تجسم مجموعهٔ واحدی از آزادی، حقوق بشر، فمینیسم و انساندوستی جا زده و در غرب جنگ ها را به مردم غالب می کند. نگرش به جهان با

عینک سیاه و سفید نما از این ملغمه پشتیبانی می نماید. زیرا با این نگرش انسان ها دیگر نیازی ندارند بدین بیندیشند که افغانستان چگونه بوده و افغان ها چه کسانی هستند و کفایت می کند برای این که با "طالبان" به مثابه ضد دموکرات و عفریت زن ستیزی مبارزه گردد تا نظام جهانی امریکائی تأیید باشد.

اما نفوذ نیروهای خارجی به سرزمینی که اهالی آن هویت خویش را در ارزش های اسلامی و سنت قرآن می بینند موجب آنچنان تفسیر وطنی و قومی از اسلام می گردد که با اسلام کاملاً بیگانه است.

اسلام مصداق هیچ سرزمینی نیست، بلکه اجتماعی است از انسان هائی که به لحاظ قومی، گویشی و فرهنگی متفاوت بوده، به خدای واحد، الله و به پیامبری محمد باور دارند. در قرآن (۴۵: ۵) چنین آمده: اگر خدا می خواست، شما را یک جامعه واحدی می ساخت. اما او (شما را به جوامع مختلف تقسیم کرد) می خواست شما را بدین گونه با آنچه (از پیامبران) به شما عرضه نمود، بیازماید. حال شما در کردار نیک بر یک دیگر سبقت گیرید. به سوی خدا، شما همگی بازگشت خواهید نمود.

با تهاجم از خارج در یک جامعه هویت یافته با سنن مسلمانی مانند افغانستان نیروهای مدافع جهاد به حرکت می آیند. افغانستان به ملتی اسلامی معرفی می گردد که در مقابل امپریالیسم غرب بر می خیزد. گروهی قدرت را به دست می گیرند، اسلام شریعتمدار را نمایندگی نموده، به هر گونه تفاوت های چند فرهنگی در این امت مبارزه می کند و به تسلیحات و منابع ارزشمند زیرزمینی حاکم می گردد. به موازات آن جهاد را علیه اشغالگر غربی انجام می دهد و در میان بخشی از مردم حامیانی می یابد، به ویژه زمانی که اهداف حاکمیت قومی را دنبال می کند. اما آنچه که افغانستان بدان نیاز دارد، قدرت خارجی نیست که بر سرنوشت کشور و مردمش حاکم و موجب ایجاد جهاد دائمی گردد.

آنچه که افغانستان پس از ده ها سال جنگ و حاکمیت اجنبی نیاز دارد، صلح است. صلحی مطابق یک طرح فراقومی در افغانستان مسلمانی، آکنده از توافق، پر از تفاوت و بیش از همه، پر از آمیزش. میزان پیچیدگی ایجاد صلح پس از ۲۰ سال تهاجم امریکا و ناتو را کسی نمی تواند تصور نماید. اما هر چه نفوذ گران بیشتر بخواهند از این کیک افغانستان تصاحب نمایند، به همان اندازه این کار مشکل تر می گردد.

در اینجا فمینیسم سفید نیست، نه غربی است و نه مطابق دموکراسی امریکائی، بلکه افغانی است. زنان از همه دستجات قومی با هم و مشترکاً تعیین خواهند نمود به چه سوئی "آزاد گشتن" و "خودگردانی" زن در افغانستان چند فرهنگی مسلمانی خواهد بود. اگر ما فمینیسم را از استعمار فارغ نکنیم، همواره نیروهای ضد امپریالیستی و جهادی خواهند بود که در نقض حقوق محدود شده زنان از جانب اسلام عمل نمایند، همان کاری که طالبان می کند که از زنان افغانستان حقوق مسلمانی زن را از او سلب می نمایند.

ما به صلح در افغانستان نیاز داریم، به آموزش برای ۱۰ میلیون کودک افغانستان که به مدرسه نمی روند نیاز داریم، به بخش عدالتمندانه ثروت در کشور تا از این که میلیون ها انسان، هیچ نداشته باشند و به هجرت به سوی غرب که هیچ تمایلی هم بدانها ندارد رانده شوند، مقابله شود. غربی که نیروهای فاشیستی اش روز به روز قوی تر می گردند، هر قدر که نیروهای طالبانی به ظاهر مسلمان قویتر گردند.

برگرفته از تلاکسکالا – ۲۲ اگست ۲۰۲۱

<https://tlaxcala-int.blogspot.com/search/label/Deutsch>